

اتفاق

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ﴾

- قرض دادن به خدا

۱. ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ﴾؟ کیست که به خدا وام نیکو دهد (واز اموالی که به او ارزانی داشته اتفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟

تفسیر

راغب می‌گوید: آن مالی را که آدمی به دیگری می‌دهد به شرط آن که مثل آن را پس بدهد، قرض می‌نامند.

درباره کلمه "اجر"، راغب گفته: اجر وأجرت عبارت است از پاداش و ثوابی که در مقابل عمل ما به خودمان برمی‌گردد، حال چه این که دنیایی باشد، مانند اجرت خیاط و زراعت و امثال اینها، و یا اجر اخروی باشد. سپس اضافه می‌کند که این کلمه جز در مورد سود و فایده استعمال نمی‌شود؛ یعنی اثر بدی که از عمل بد من عاید می‌شود، اجر نامیده نمی‌شود، به خلاف کلمه "جزا" که هم در نفع بکار می‌رود و هم در ضرر، هم عذاب دوزخ را جزای تبهکاران می‌نامند و هم نعیم بهشت را جزای نیکوکاران.

در آیه مورد بحث، تشویقی بالغ به اتفاق در راه خدا شده، که بالاتر از آن تصور ندارد، چون از یک سو سؤال کرده که آیا کسی هست که چنین قرضی به خدا دهد؟ از سوی دیگر اتفاق او را، قرض دادن به خدای سبحان نامیده که پرداخت آن بر قرض گیرنده

واجب است و از سوی دیگر چنین مقاطعه کرده است که هرگز عین آن‌چه گرفته پس نمی‌دهد، بلکه به اضعاف مضاعف می‌دهد و به این هم اکتفاء ننموده، اجری کریم بر آن اضافه کرده و فرموده: خداوند در آخرت قرض خود را به اضعاف مضاعف ادا می‌کند و اجری کریم هم می‌دهد و اجر کریم، اجری است که در نوع خودش پسندیده ترین باشد و اجر اخروی همین طور است، چون اجری است ما فوق آن‌چه ممکن است به تصور درآید.^۱

- پاداش انفاق

۲. **«إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضَاعِفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»**؛ اگر به خدا قرض الحسن دهید، آن را برای شما مضاعف می‌سازد و شما را می‌بخشد و خداوند شکر کننده و بردبار است.

تفسیر

منظور از "اقراض خدای تعالی" انفاق در راه خدا است و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و آن مال انفاق شده را قرض حسن خوانده، به این منظور بوده که مسلمین را به انفاق ترغیب کرده باشد.

جمله «يُضَاعِفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ» اشاره است به حسن جزایی که خدای تعالی در دنیا و آخرت به انفاق گران می‌دهد و اسم‌های "شکور"، "حلیم"، "عالی غیب و شهادت"، "عزیز" و "حکیم" پنج نام از اسمای حسنای الهی هستند که شرحش و وجه مناسبتش با سمع، طاعت و انفاق که در آیه بدان سفارش شده است، روشن است.^۲

- هفتصد برابر و بیشتر

۳. **«مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبْلَةٍ**

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷۱

۲. همان، ص ۵۱۹

مَّوْلَاهُ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ^۱؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا اتفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوش برویاند؛ که در هر خوش، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.

آیات مرقبط

- اتفاق کفاره گناهان

۴. **وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعْثَنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِيًّا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقْتُلْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَةَ وَآمَتْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّزْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَا كَفَرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخْلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلُ**^۲؛ خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم. خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنے بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [می‌بخشم] و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

- قرض و ربا

۵. **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبْا وَيُرِبِّ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارَ أُثِيمٍ**^۳؛ خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گهه کاری را دوست نمی‌دارد.

۱. بقره، آیه ۲۶۱.

۲. مائدہ، آیه ۱۲.

۳. بقره، آیه ۲۷۶.

روايات

- بهترین اعمال

۱. قال رسول الله ﷺ:

أفضل الأعمال أن تدخل على أخيك المؤمن سروراً أو تقضي عنه ديناً؛ بهترین کارها آنست که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا قرض او را پردازی.

- محبوب خدا

۲. قال رسول الله ﷺ:

ان الله تعالى جواد يحب الجود^۲؛ خداوند، بخشنده است و بخشنگی را دوست دارد.

- دفع عذاب

۳. قال رسول الله ﷺ لعدي بن حاتم:

ان الله دفع عن أبيك العذاب الشديد لسخاء نفسه^۳؛ پیامبر به عدى فرزند حاتم طائی فرمودند: خداوند عذاب دردناک را از پدرت دور کرد به خاطر سخاوت طبعش.

- بهترین احسان

۴. عن علي علیهم السلام:

أفضل العطية ما كان قبل مذلة السؤال^۴؛ حضرت علي علیهم السلام می فرماید: بهترین احسان آن است که قبل از ذلت سؤال کردن باشد.

۱. همان، ص ۲۲۸.

۲. المساجدة البيضاء، ج ۶، ص ۶۰.

۳. لختصاص، ص ۲۶۴.

۴. غرر الحكم، ص ۱۹۳.

–راه جلب رحمت خدا

۵. قال رسول الله ﷺ:

قال الله: أَنْفَقَ يَابْنَ آدَمَ، أَنْفَقَ عَلَيْكُمْ؟ پیامبر ﷺ فرمود: خداوند می فرماید: فرزند آدم! انفاق کن تا بر تو انفاق کنم.

داستان

۱- ناامید امیدوار

محمد بن عجلان ثروتش را از دست داد، به شدت فقیر شد و مقدار زیادی نیز بدھکار شد. بالاخره به فکر افتاد که پیش حاکم مدینه که از خویشاوندانش بود، برود و از نفوذ او استفاده کند. در بین راه، به پسر عمومی امام صادق علیه السلام رسید، پس از سلام و احوال پرسی، پسر عمومی امام از او پرسید: کجا می روی؟

گفت: مقدار زیادی بدھی دارم، پیش امیر می روم تا کارم را اصلاح کند. پسر عمومی امام گفت: از پسر عمومی امام صادق علیه السلام چند حدیث قدسی شنیده ام که می خواهم برایت نقل کنم.

خداوند می فرماید: به عزت و جلالم سوگند، کسی که به غیر من امیدوار باشد، امیدش را قطع می کنم.

نیز می فرماید: وای بر این بندۀ، او بدون این که ما را بخواند و از ما بخواهد، نعمت های خود را به او عطا نمودیم، آیا اگر ما را بخواند و درخواستی نماید، خواسته اش را رد می کنیم؟

ما عَدَمَ بُودِيمْ، تَقَاضَامَانْ نَبُودْ
لطف حق ناگفته ما می شنود
آیا تو گفتی خدایا چشم می خواهم که خداوند به تو چشم داد؟ آیا وقتی خداوند به تو گوش، دهان، دست و پا داد، تو آنها را از خداوند خواسته بودی؟ محمد که این احادیث را برای اولین مرتبه می شنید، با اشتیاق گفت: دوباره آنها را برایم بخوان.

۱۷۸ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

پسر عمومی امام صادق علیه السلام دوباره احادیث را خواند و محمد با دقت به آن گوش فرا داد. بالاخره فرمایش خداوند در او اثر کرد. و گفت: به خداوند امیدوار شدم و کارم را به او واگذار کردم.

این را گفت و راهش را کج کرد و به خانه بازگشت. طولی نکشید که گرفتاری‌ها یش برطرف گردید و قرض‌هایش پرداخته شد.^۱

۱. استعازه، ص ۱۸۶.